

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقاتی منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

رصدنامه روزانه اندیشکده‌ها، خبرگزاری‌ها، مجلات آمریکایی | مختص مطالعه نخبگان | سه‌شنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۳ | سال سوم شماره ۷۴

آل اسرائیل نیوز کوکی آيسان

ایران همیشه قلدر، با علم به اینکه یک جنگ تمام‌عیار بین اسرائیل و لبنان قریب‌الوقوع است، در آخرین تلاش برای جلوگیری از درگیری اجتناب‌ناپذیر، تهدید نهایی را ایجاد کرده است که می‌تواند در نهایت به حملات روزانه راکتی و پهپادی پایان دهد.

باهشدار به اینکه اگر جرئت انجام یک عملیات زمینی نظامی علیه حزب الله لبنان را داشته باشیم، ما محو می‌شدیم، استراتژی آن‌ها این است که دولت یهود را با فکر پایان دادن به او بترسانند.

اما راه چاره چیست؟ اگر اسرائیل آنچه را که هیچ کشور مستقلی برای دفاع از مردمش نباید انجام دهد، آن‌گاه کشور همچنان از یک کارزار تروریستی بی‌پایان رنج می‌برد که برای تضعیف روحیه ملت، محله‌نشینی شهروندان، با راندن بیشتر و بیشتر آن‌ها به یک منطقه مرکزی و سپس رفتن آن‌ها طراحی شده است. برای از بین بردن این سناریو چگونه بهتر از احتمال نابودی ایران است؟ در هر صورت، هدف معطوف به «راه‌حل نهایی» اسرائیل است.

شکی نیست که قرار دادن اسرائیل در مقابل کشورهای مسلح ایران و لبنان، همراه با هر زرادخانه‌ای که برای حماس در جنوب باقی مانده است، نگرانی وجودی دلهره‌آور و هولناکی است، اما اگر انتخاب بین یک انتخاب آهسته و دردناک‌ها شود. مرگ با یک میلیون تلفات و درگیری سریع که قطعاً ظرفیت به بار آوردن تلفات بسیاری از اسرائیل را دارد، اما در نهایت، تهدید شمالی را برطرف می‌کند، چرا ما به دنبال عذاب و ترس ذره ذره از بین رفتیم؟

زمان آن فرا رسیده است که اسرائیل و ملت‌های جهان تصمیم بگیرند که آیا بدون وطن یهودی وضعیت بهتری دارند یا خیر، زیرا کم‌وبیش به این نتیجه می‌رسد. آخرین باری که این تهدید مطرح شد، نیمه‌شب سیزدهم آوریل بود که تخمین زده می‌شود ۱۷۰ پهپاد و ۳۰ موشک کروزر و ۱۲۰ موشک بالستیک به سمت اسرائیل پرتاب شدند.

ادامه در صفحه ۲

ایران؛ تهدیدی برای نابودی اسرائیل



۱۴

برقراری نظم نوین جهانی
توسط پوتین و کیم؟

۵

برنامه‌ریزی برای مبارزه با
اسرائیل در مدیترانه

۳

حال و هوای ایران در
دور دوم انتخابات

تهدیدات ایران و اسرائیل تشدید شده است

سوریا
سیاست خارجی ایران

روزنامه

ایران؛ تهدیدی برای نابودی اسرائیل



نیوزویک
تام اوکانرا

هشدارها بین مقامات اسرائیلی و ایران با تشدید نگرانی هادر سراسر غرب آسیا و فراتر از احتمال وقوع یک درگیری در مقیاس بزرگ‌تر به دلیل تشدید درگیری‌ها در سراسر مرز اسرائیل و لبنان و جنگ همچنان ادامه‌دار در نوار غزه، تشدید شده است.

سخنگوی ارتش اسرائیل روز یکشنبه به نیوزویک گفت که ارتش اسرائیل برای انواع سناریوهای امنیتی در همه مناطق آماده است و به حفاظت از اسرائیل در برابر تهدیدات مختلف ادامه خواهد داد.

این اظهارات دو روز پس از آن منتشر شد که نمایندگی ایران در سازمان ملل یکی از جدی‌ترین هشدارهای جمهوری اسلامی در مورد وخامت اوضاع امنیتی را منتشر کرد. سفارت ایران روز جمعه اعلام کرد: اگر چه ایران تبلیغات رژیم صهیونیستی مبنی بر قصد حمله به لبنان را جنگ روانی می‌داند، در صورت تهاجم نظامی تمام عیار، جنگی نابودکننده رخ خواهد داد. همه گزینه‌ها، از جمله مشارکت کامل تمام جبهه‌های مقاومت، روی میز است.

مرگبارترین و طولانی‌ترین جنگ غزه که در اکتبر گذشته بین اسرائیل و جنبش حماس فلسطینی آغاز شد، ماهیتی منطقه‌ای به خود گرفته است و تعدادی از جناح‌های «محور مقاومت» همسو با ایران از خارج وارد نبرد شده‌اند. اسرائیل و حزب الله از زمان آغاز درگیری در غزه مرتباً درگیر درگیری‌ها بوده‌اند.

علاوه بر حزب الله، دیگر گروه‌های «محور مقاومت» که مدعی حملات مکرر علیه اسرائیل هستند شامل ائتلافی از شبه‌نظامیان مستقر در عراق و سوریه و موسوم به مقاومت اسلامی در عراق و همچنین انصارالله یمن است که به جنبش حوثی نیز معروف است.

نتانیا هو گفته است: «ایران در یک جنگ ۷ جبهه‌ای با ما می‌جنگد: حماس، حزب الله، حوثی‌ها، شبه‌نظامیان در عراق و سوریه، یهودیه و سامریه، کرانه باختری، و خود ایران. وی افزود: اولین شرط این است که دست حماس را قطع کنیم.

حزب الله به نوبه خود، روز یکشنبه حداقل چهار عملیات جدید را علیه اسرائیل انجام داد. جان کربی، مشاور ارتباطات شورای امنیت ملی روز چهارشنبه به خبرنگاران گفت: «آنچه ما در تلاشیم انجام دهیم این است که از باز شدن جبهه دوم جلوگیری کنیم.»

tinyurl.com/2qy35hpb

اسلام افراطی خودداری می‌کنند. این جنگی است که نمی‌توان از آن اجتناب کرد یا با آن مماشات کرد. اقدام نکردن هم‌اکنون به معنای طولانی کردن تهدید در برابر ملت‌های آزاد و دموکراتیک است.

چرا آن مسیر را انتخاب کنید؟ ایران قبلاً ثابت کرده که مایل به حمله به اسرائیل است. چیزی که آن‌ها احتمالاً انتظار نداشتند اتحاد نیروهای دیگر بود که توانایی‌های خود را از بین بردند و نشان دادند که همبستگی در نهایت قدرتمندتر است و به همین دلیل است که اکنون باید کاری انجام شود، قبل از اینکه برای همه چاره‌ای جز «پاسخ دادن» به هر کاری که ایران انتخاب می‌کند باقی نماند. با توجه به امکانات هسته‌ای ایران، دلیل بیشتری بر این است که توانایی‌های آن‌ها باید بدون تأخیر کاهش یابد.

چه کشورهای دیگر به دفاع از اسرائیل بیایند یا نه ما باید مطابق با منافع خود عمل کنیم و تهدید به حذف از سوی ایران نمی‌تواند دلیلی برای تسلیم شدن و عقب‌نشینی ما از حمله‌ای طولانی مدت باشد.

is.gd/f26ezD

کار، گستردگی چنین ضربه‌ای آن‌ها را فلج نموده و تضمین می‌کند که آن‌ها را از بین می‌برد. این امر همچنین به عنوان یک عامل بازدارنده برای لبنان عمل می‌کند که به تنهایی در برنامه خود برای وارد آوردن خسارت قابل توجه به شهرهای بزرگ اسرائیل و سایت‌های حساس ما عمل کند.

این ایده مطمئناً قابل بحث است، اما احتمالاً تنها در صورتی موفق خواهد بود که تعدادی از کشورها با هم شریک شوند تا بزرگ‌ترین زورگوی جهان را که برای ترساندن دشمنانش دست از سر هیچ کاری برنمی‌دارد متوقف کنند و این اتفاق نمی‌افتد تا زمانی که این دشمنان با هم متحد شوند و به تهدیدات تهدیدآمیز خود پایان دهند. جهان دیگر نمی‌تواند به‌طور نامحدود توسط روحانیون بد اخلاق و ظالمی که مردم خود را برای نزدیک به پنج دهه اسیر نگه داشته‌اند، تحت فشار قرار گیرد.

زمان آن فرا رسیده است که کشورهای جهان متوجه شوند که این تهدید به‌طور جادویی از بین نمی‌رود. جهان در حال حاضر مشغول درگیری با هدف تسلط بر سایرین است که از تعظیم در برابر

هیچ کس نمی‌دانست چه انتظاری دارد، اما در نهایت، نیروهای هوایی آمریکا، فرانسه، انگلیس و اردن به این نبرد پیوستند و این پیام را ارسال کردند که اسرائیل ارزش نجات را دارد.

سؤال این است که آیا آن‌ها باز هم به کمک خواهند آمد یا این همان نبردی است که اسرائیل باید به تنهایی بدون هیچ گونه کمک مداخله‌ای به آن بپردازد؟ در مقاله جروزالم پست با عنوان «آیا اسرائیل می‌تواند راهبردی برای مقابله با تهدید چندجانبه ایران ترسیم کند؟» یونا جرمی باب، نویسنده، نشان می‌دهد که همه در «حالت گیر کردن و اکنشی» هستند و منتظرند ببینند ایران چه حرکتی انجام می‌دهد و این ظاهراً شیوه عمل آن‌هاست.

در نتیجه، این پیشنهاد توسط باراک سینر، محقق غرب آسیا مطرح شده است که اسرائیل و آمریکا، همراه با متحدان خود، مستقیماً به ایران با فهرست بلندبالایی از اهداف حمله می‌کنند: پایگاه نظامی، تأسیسات پهنپادی و موشکی، زیرساخت‌های نفتی، بنادر صادرات هیدروکربن و سایر مناطق حساس. با انجام این

حال و هوای ایران در دور دوم انتخابات

شکست جمهوری اسلامی در تلاش برای نمایش رأی‌گیری در آمریکا

صدای آمریکا |

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تلاش حکومت ایران برای برگزاری «نمایش انتخاباتی» خود در آمریکا با حضور مخالفان جمهوری اسلامی با شکست روبرو شده است.

بر اساس اطلاعات به دست آمده و بررسی‌های انجام شده، جمهوری اسلامی ۳۳ مرکز را برای اخذ رأی ایرانیان مقیم در مناطق مختلف آمریکا تدارک دیده بود، که از این تعداد کمتر از نیمی از آن‌ها موفق به برگزاری نمایش اخذ رأی شدند و دست کم ۳ محل اعلام شده به عنوان مراکز رأی‌گیری، با فشار و حضور مخالفان جمهوری اسلامی مجبور به لغو مراسم شدند.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی برای برگزاری نمایش رأی‌گیری روز جمعه ۸ تیرماه به منظور تعیین جانشین ابراهیم رئیسی، به غیر از نمایندگی خود در شهر واشنگتن، از ساختمان‌های چند مرکز اسلامی، کلیسا، نمایندگی فروش خودرو و تعدادی از هتل‌ها نیز استفاده کرده است، اما نتوانسته به اهداف خود برسد.

بررسی‌های اداره سرشماری آمریکا نشان می‌دهد حدود نیم میلیون نفر در این کشور متولد ایران یا دارای تبار ایرانی هستند.

جیسون برادسکی، مدیر گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای، در همین زمینه گفت: «جمهوری اسلامی و عوامل آن از نفرت عمومی مردم از دولت تهران و عوامل آن اطلاع دارند و از دیاسپورا ایرانی می‌ترسند.»

او افزود: «نظام جمهوری اسلامی و عوامل آن با ترس از قدرت سازماندهی ایرانیان خارج از کشور می‌خواهند فعالیت رأی‌دهی در آمریکا را تا حد امکان مخفی نگه‌دارند تا از کارزارهای ایجاد شرمساری جلوگیری کنند.»

گزارش‌های منتشر شده از سوی خبرنگار صدای آمریکا در روز جمعه ۸ تیرماه از مقابل دفتر حافظ منافع جمهوری اسلامی در واشنگتن نشان داد تنها ۳۵ نفر در مدت زمان ۹ ساعته مقرر، برای رأی دادن وارد این مرکز شدند.

ibit.ly/xC0Z-



عباس آخوندی، از اصلاح‌طلبان برجسته، اظهار داشت که حدود ۶۰ درصد از رأی‌دهندگان به دلیل اعتراض به تبعیض نهادینه شده در حاکمیت موجود، در انتخابات شرکت نکردند. او معتقد بود بخش بزرگی از جامعه ایران جایی برای خود در نهادهای سیاسی حاکم نمی‌بیند و اگر این رویه ادامه یابد این بخش از جامعه رشد خواهد کرد. ۶ نامزد، از جمله پنج محافظه‌کار، به عنوان واجد شرایط برای حضور در شورای نگهبان، یک ناظر غیرمنتخب قانون اساسی که توسط [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب منصوب می‌شود، تایید شدند. تصمیم به اجازه دادن به یک اصلاح‌طلب به عنوان یک امتیاز از سوی نظام تلقی می‌شد که به انتخابات رقابتی‌تر برای جذب رأی‌دهندگان به پای صندوق‌های رأی نیاز داشت.

ایران به رهبرانی با مشروعیت نیاز دارد زیرا از جنبش‌های مقاومت در سراسر غرب آسیا حمایت می‌کند، با سلطنت‌های غیرمنتخب خلیج فارس مقابله می‌کند و غرب را بر سر هدف و مقیاس برنامه هسته‌ای در حال گسترش خود به چالش می‌کشد.

is.gd/2jAhYr

و ۱۸۵ نفر رأی دادند. با اعلام اولین آراء، پزشک‌ها درست پشت سر جلیلی قرار داشت، اما از وی سبقت گرفت و جلو افتاد. دور دوم انتخابات در روز جمعه اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و گزینه ایدئولوژیک مستقیمی را بین پزشک‌ها و جلیلی ارائه می‌دهد. اگر پزشک‌ها نتوانند رأی‌دهندگان بیشتری را تشویق کند تا در دور اول شرکت کنند، بر این اساس که دور اول ثابت کرد که او شانس قابل قبولی برای پیروزی دارد و می‌تواند ایران را تغییر دهد، اصلاح‌طلب احتمالاً در دور دوم انتخابات شکست خواهد خورد. پیش‌بینی می‌شود اکثر، اما نه همه آرای قالیباف، به سمت جلیلی بروند. رقابت بین قالیباف و جلیلی چه شخصی و چه ایدئولوژیک کافی بود تا آن‌ها به یک اجماع پیش از رأی‌گیری برسند.

انتخابات زود هنگام در ایران پس از درگذشت ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلیکوپتر برگزار شد. رئیسی در سال ۲۰۲۱، به‌تنهایی ۱۸ میلیون رأی کسب کرد، یعنی ۶ میلیون کمتر از کل رأی‌دهندگان در سال ۲۰۲۴. مقایسه‌های دقیق نشان داد که مشارکت در انتخابات در سال ۲۰۲۱ تقریباً در همه استان‌ها به جز تهران و قم کاهش یافته است.

کاردین پاتریک وینتورا

پس از اینکه مسعود پزشک‌ها، نماینده اصلاح‌طلب، از سعید جلیلی، مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای تندرو پیشی گرفت، اما نتوانست بیش از ۵۰ درصد آرا را به دست آورد، ایران به دور دوم انتخابات در یک هفته آینده می‌رود. میزان مشارکت ممکن است در نهایت به ۴۰ درصد برسد، پایین‌ترین رکورد برای انتخابات ریاست جمهوری ایران از زمان انقلاب در سال ۱۹۷۹.

گسترده‌ترین تحریم مشارکت، مخالفتی برای نظام است که بارها از ایرانیان خواسته بود تا با رأی دادن، پایبندی خود را به حکومت اسلامی نشان دهند.

مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۱ با ۲۴٫۹۱ میلیون رأی رسماً ۴۸٫۸ درصد ثبت شد.

نتایج اولیه نشان داد که پزشک‌ها ۱۰٫۴۵ میلیون رأی، جلیلی ۹٫۴۷ میلیون و محمدباقر قالیباف دیگر محافظه‌کار ۳٫۳۸ میلیون رأی کسب کردند. نامزد چهارم، مصطفی پورمحمدی، وزیر سابق دادگستری که یک کارزار عجیب را اداره می‌کرد، تنها ۲۰۶ هزار نفر را به دست آورد. در مجموع ۲۴ میلیون و ۷۳۵ هزار

اوباما و بایدن راه را برای یک ایران هسته‌ای هموار کردند

کمک‌های مالی و نظامی ایران به شورشیان حوثی به درگیری‌های مداوم دامن زد.

زمانی که دولت ترامپ روی کار آمد، اقبال ایران به طرز چشمگیری تغییر کرد. دولت ترامپ سیاست «فشار حداکثری» را با هدف محدود کردن توانایی‌های اقتصادی ایران اعمال کرد.

زمانی که جو بایدن به قدرت رسید، ایران احساس خوش بینی و آرامش جدیدی را تجربه کرد. دولت بایدن به سرعت اقداماتی را انجام داد که به نفع تهران تلقی می‌شد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که دولت بایدن نه تنها پیشرفت‌های ایران در زمینه برنامه هسته‌ای اش را نادیده گرفته است، بلکه فعالانه اتحادیه اروپا را از سرزنش ایران به دلیل سرپیچی و پیشرفت در توسعه هسته‌ای منصرف می‌کند.

tinyurl.com/2kahhm9p



اعطا کرد، همراه با لغو تحریم‌ها، سیل میلیاردی دلار را برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین برای دیگر شبهه‌نظامیان و گروه‌های تروریستی تحت حمایت نظام ایجاد کرد. در سوریه، حمایت ایران در تقویت نظام اسد با ارائه پشتیبانی نظامی و لجستیکی، که به تغییر جنگ داخلی به نفع اسد کمک کرد، نقش اساسی داشته است. به‌طور مشابه، در یمن،

دولت اوباما سرچشمه گرفت، به آنچه به‌عنوان برجام معروف شد، به اوج خود رسید. این توافق تغییر قابل توجهی در روابط بین‌المللی با ایران داشت. توسعه مداوم ایران در فناوری موشک‌های بالستیک و شلیک‌های آزمایشی مداوم موشک‌ها، هر دو با نقض آشکار قطعنامه‌های سازمان ملل، تا حد زیادی نادیده گرفته شد. مشروعیت تازه‌ای که اوباما به ایران

نیوزویک

مجید رفیع‌زاده

ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای است. مسئولیت این تحول دقیقاً بر دوش دولت اوباما و بایدن است. آن‌ها از طریق یک سری سیاست‌های نادرست، راه را برای تحقق جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران هموار کرده‌اند.

«تلاش‌های دیپلماتیک» آمریکا به جای توقف برنامه هسته‌ای ایران، به مجموعه‌ای از امتیازات منجر شده است که تنها نظام ایران را قدرتمند کرده است. فقدان اقدامات سختگیرانه اجرایی و راستی‌آزمایی، و به‌ویژه لغو تحریم‌های ثانویه، به ایران اجازه داده است تا فعالیت‌های هسته‌ای خود را تسریع بخشد. نرمش و گام‌های اشتباه استراتژیک دولت‌های اوباما و بایدن به شدت تلاش‌های جهانی منع اشاعه را تضعیف کرده است.

مفهوم اعطای امتیاز به ایران، که از

حزب‌الله آماده اعلان جنگ به اسرائیل است؟

هر دو طرف در درجه اول تلاش می‌کنند تا درگیری را مهار کنند.

هدف ایران اجتناب از درگیری با اسرائیل و آمریکا به دلیل استراتژی موفقیت‌آمیزش در کاهش سرعت تسلط بر منطقه و پیشرفت به سمت ظرفیت هسته‌ای است. با این حال، رهبران ایران هیچ منطقی در فدا کردن منافع خود برای حفظ یک مهره نمی‌بینند. اسرائیل و آمریکا خواهان یک جنگ همه‌جانبه در منطقه نیستند، اما تشدید اقدامات ایران عواقب جدی به دنبال داشته است، از جمله ایجاد منطقه امنیتی بسته برای مرز شمالی اسرائیل و دریای سرخ صعب‌العبور برای کشتی‌های غیرنظامی. پاسخ فعلی برای وادار کردن ایران به عقب‌نشینی کافی نیست.

رهبران اسرائیل و آمریکا با این معضل دست و پنجه نرم می‌کنند که به تهران اجازه دهند در یک کارزار تجاوزکارانه در سطح منطقه شرکت کند، مشروط بر اینکه به یک جنگ همه‌جانبه تبدیل نشود. تصمیم اسرائیل تعیین خواهد کرد که آیا دوره کنونی به تشدید خشونت ختم می‌شود یا کاهش تدریجی تنش‌ها.

is.gd/mU16PM



تبدیل خصومت‌ها به جنگ ایفامی کند. در اسرائیل، مردم خودشان در حال برنامه‌ریزی هستند و در صورت وقوع جنگ، بزرگراه‌های صعب‌العبور وجود دارد. چشم‌انداز جنگ بین اسرائیل و حزب‌الله اکنون محسوس است، اما وضعیت در حال حاضر در یک الگوی نگهدارنده قفل شده است. از روز ۸ اکتبر، حزب‌الله روزانه حملات موشکی و ضدتانک را در مرزهای شمالی اسرائیل انجام می‌دهد. اسرائیل با تخریب اهداف و زیرساخت‌های حزب‌الله پاسخ می‌دهد.

وب‌سایت خود خاطر نشان کرد: تشدید بیشتر تنش می‌تواند منجر به توقف کامل ترافیک هوایی فرودگاه رفیق حریری شود. در این صورت خروج هوایی از لبنان دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود.

کشتی تهاجمی دوزبست یواس اس واسپ برای تخلیه غیرنظامیان و بازدارندگی حزب‌الله و اربابان ایرانی آن از تشدید حملات خود وارد مدیترانه شرقی شده است. نقش این کشتی مشخص نیست، اما اعتقاد بر این است که نقشی در جلوگیری از

اسیکتیتور

جانا تان اسپایر

در حال حاضر در اسرائیل، مردم منتظر تشدید تنش احتمالی در شمال هستند. آمریکا، کانادا، آلمان، ایرلند، روسیه و هلند از شهروندان خود در لبنان خواسته‌اند که این کشور را ترک کنند. سفارتخانه‌های غربی در لبنان در حال کاوش در منطقه ساحلی برای یافتن نقاط احتمالی هستند که امکان تخلیه از طریق دریا از آنجا وجود دارد. وزارت خارجه آلمان در پیامی در

حملات مرزی اسرائیل و لبنان باید خنثی شود

نشانی

در حالی که جنگ اسرائیل در غزه وارد نهمین ماه خود شده است و هیچ نشانه‌ای از آتش‌بس وجود ندارد، درگیری‌های مرزی این رژیم با لبنان به سمتی تبدیل شده که برای هر دو کشور و همچنین غرب آسیا گسترده‌تر است.

آخرین باری که اسرائیل و لبنان در یک جنگ تمام‌عیار بودند در سال ۲۰۰۶ بود. نمایندگی ایران در سازمان ملل روز جمعه اعلام کرد که اگر اسرائیل یک «تجاوز نظامی تمام‌عیار» به لبنان انجام دهد، جنگی محوکننده رخ خواهد داد. اعضای دست راستی دولت اسرائیل کوتاه نیامدند و یوآو گالانت، وزیر دفاع، در مورد بازگرداندن لبنان به عصر حجر صحبت کرد.

یک جنگ تمام‌عیار بین اسرائیل و لبنان زندگی غیرنظامیان هر دو طرف را از بین می‌برد، مطمئناً ایران را درگیر می‌کند و کل منطقه را بی‌ثبات می‌کند. نجیب میقاتی، نخست‌وزیر موقت لبنان،



روز شنبه از تمایل کشورش برای صلح صحبت کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که آمریکا در حال انجام مذاکرات پشت سر هم با ایران برای کاهش تنش است. متحدان حزب‌الله همچنین باید این گروه شبهه‌نظامی را برای کاهش تنش تحت فشار قرار دهند.

در ۱۸ سال پس از جنگ قبلی اسرائیل و لبنان، توانایی‌های نظامی اسرائیل و حزب‌الله به طور قابل توجهی تقویت شده است.

جهان به اسرائیل برای پایان دادن به جنگ غزه نیاز دارد نه اینکه جنگ جدیدی را در لبنان آغاز کند.

جامعه بین‌المللی باید یک فشار قوی و بی‌چون و چرا برای خویشتن‌داری و آرامش صادر کند. جنگ در لبنان غیرقابل قبول است. هیچ برنده‌ای از یک جنگ تمام‌عیار بیرون نمی‌آید. برای درک کامل پیامدها، هر دو طرف نیاز به نگاهی فراتر از غزه ندارند.

tinyurl.com/2okdhdwy

برنامه‌ریزی برای مبارزه با اسرائیل در مدیترانه

نصرالله گفت: «باز کردن فرودگاه‌ها و پایگاه‌های قبرس به روی دشمن اسرائیلی برای هدف قرار دادن لبنان به این معنی است که دولت قبرس بخشی از جنگ است و مقاومت به‌عنوان بخشی از جنگ با آن برخورد خواهد کرد.»

قبرس ۲۵۰ کیلومتر با سواحل لبنان فاصله دارد. مقامات حزب‌الله به روزنامه لبنانی الاخبار گفتند که هیئت‌های اطلاعاتی اسرائیل، آمریکا، انگلیس و فرانسه در قبرس برای هماهنگی همکاری‌های نظامی علیه حزب‌الله و ایران دیدار کردند.

حزب‌الله استدلال می‌کند که این نشست‌ها درباره امنیت اروپا نیست، بلکه برای حمایت از اسرائیل در درگیری‌های غزه و لبنان و تهیه چتر پدافند هوایی مشابه آنچه در روز ۱۳ آوریل ارائه شد، زمانی که ایران بیش از ۳۰۰ موشک بالستیک و پهپاد به سمت اسرائیل در تلافی ترور محمدرضا زاهدی، ژنرال ایرانی در دمشق پرتاب کرد.

is.gd/8rIfwY

دارد محاصره دریایی قابل توجهی را علیه اسرائیل در دریای مدیترانه اعمال کند. ایران و حزب‌الله از ابتدای جنگ برای این اقدام آماده شده‌اند و تهدید قبرس بخشی از برنامه‌های نصرالله بوده است. بدون نیروی هوایی، حزب‌الله به ناوگان بزرگ پهپادهای خود متکی است و هدف آن خنثی کردن نیروی هوایی از طریق دو اقدام اولیه است. اولین حمله غافلگیرانه با موشک‌های دقیق و پهپاد به پایگاه‌های نیروی هوایی ارتش و تأسیسات رادار و پدافند هوایی، از جمله فلج کردن فرودگاه بن‌گوریون است. هدف نصرالله این است که هواپیماهای اسرائیلی را زمین‌گیر کند تا از انجام مأموریت آن‌ها در لبنان علیه پرتابگرهای موشک‌های میان‌برد و دور جلوگیری کند.

نصرالله نگران است که اسرائیل با استقرار نیروی هوایی خود در پایگاه‌های قبرس، از حمله برنامه‌ریزی شده او جلوگیری کند، سناریویی که نیروی هوایی ارتش در طول تمرین‌های نظامی در سال گذشته با قبرس انجام داد.

با قوانین و استراتژی‌های جدید به طور قابل توجهی متفاوت خواهد بود.

هیچ کشتی جنگی ایرانی که بتواند اسرائیل را تهدید کند در حال حاضر در دریای مدیترانه نیست. با این حال، می‌توان تصور کرد که موشک‌های کروز و بالستیک دوربرد می‌توانند از پایگاه‌های لبنان یا سوریه به سمت اهدافی در دریای مدیترانه شلیک شوند، همانطور که این موشک‌ها علیه کشتی‌های دریایی سرخ از قلمرو حوثی‌ها پرتاب شده‌اند.

در سال ۲۰۰۶، حزب‌الله یک موشک کروز ضد کشتی سی-۸۰۲ ساخت چین را از سواحل لبنان شلیک کرد که نزدیک بود یک قایق موشکی اسرائیل به نام آی‌ان‌اس هانیت را غرق کند. امروز، تسلیحات دریایی حزب‌الله می‌تواند شامل پهپادهای کشتی ایرانی و حتی زبردربایی‌های کوچک باشد.

پیام نصرالله خطاب به تمامی بازیگران منطقه‌ای در غرب آسیا و جامعه بین‌المللی حامی اسرائیل بود. برخی گمان می‌کنند که او در کنار ایران قصد

جوئیش نیوز سیندیکیت

یونی بن میناچم |

حزب‌الله به رهبری حسن نصرالله در حال هماهنگی با ایران برای گشودن جبهه جدیدی علیه اسرائیل در دریای مدیترانه است. هدف، خنثی کردن توانایی‌های نیروی هوایی اسرائیل است که حزب‌الله آن را بزرگ‌ترین تهدید خود می‌داند.

استراتژی نصرالله شامل هدف قرار دادن قبرس است که به گمان او می‌تواند به‌عنوان پایگاه عملیاتی جایگزین برای نیروی هوایی در صورت وقوع جنگ با لبنان باشد.

نصرالله به قبرس هشدار داده است که همکاری با اسرائیل را به‌عنوان بخشی از کارزار حزب‌الله و ایران برای افزایش آگاهی بین‌المللی در مورد پیامدهای احتمالی جنگ همه‌جانبه با اسرائیل، منع کند. هدف او ایجاد فشار بر اسرائیل برای جلوگیری از یک حمله پیشگیرانه قابل توجه، از جمله حملات هوایی در مقیاس بزرگ است و تأکید می‌کند که درگیری‌های آینده

برای خدمت به آمریکا، بایدن باید رقابت را ترک کند

میکروسکوپ تصویری
روزنامه

نیویورک تایمز |

بایدن بارها بر اهمیت آینده دموکراسی آمریکا تاکید کرده و گفته است که ترامپ تهدیدی مهم برای این دموکراسی است. او متعهد شده است که نوع متفاوتی از رئیس‌جمهور خواهد بود که با کنترل قدرت در سیستم سیاسی آمریکا مهار نشده است. با این حال، استدلال بایدن مبنی بر اینکه او بهترین نامزد برای مقابله با این تهدید استبداد است، دیگر کافی نیست.

در جریان مناظره روز پنجشنبه، بایدن به‌عنوان سایه یک کارمند دولتی بزرگ ظاهر شد که در تلاش برای توضیح برنامه‌های خود برای دور دوم

ریاست جمهوری و پاسخگویی به ترامپ به خاطر دروغ‌ها، شکست‌ها و برنامه‌های دلخراش خود بود. بزرگترین خدمتی که بایدن اکنون می‌تواند انجام دهد این است که اعلام کند به نامزدی مجدد خود ادامه نخواهد داد.

رئیس‌جمهور درگیر یک قمار است، زیرا رهبران دموکراتی وجود دارند که برای ارائه جایگزین‌های واضح، قانع‌کننده و پرنرزی برای ریاست‌جمهوری دوم ترامپ مجهزتر هستند. دلیلی وجود ندارد که این حزب با وادار کردن رأی‌دهندگان به انتخاب بین کاستی‌های ترامپ و بایدن، ثبات و امنیت کشور را به خطر بیندازد. پایان دادن به نامزدی وی بر خلاف تمام

غرایز شخصی و سیاسی بایدن است. او در گذشته خود را از تراژدی‌ها و ناکامی‌ها نجات داده است و به وضوح معتقد است که می‌تواند دوباره این کار را انجام دهد. حامیان رئیس‌جمهور در حال حاضر بحث روز پنجشنبه را به‌عنوان یک نقطه در مقایسه با دستاوردهای سه ساله توضیح می‌دهند.

حقیقتی که بایدن اکنون باید با آن روبرو شود این است که او در آزمون خودش شکست خورد. در نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌ها، رای‌دهندگان می‌گویند که به دنبال راه‌های تازه‌ای برای مقابله با ترامپ هستند.

این یک تراژدی است که

جمهوری خواهان پس از مناظره روز پنجشنبه درگیر جستجوی عمیق‌تر روحی نیستند. عملکرد ترامپ را باید رد صلاحیت تلقی کرد. این بار بر دوش حزب دموکرات است تا منافع ملت را بالاتر از جاه‌طلبی‌های یک مرد قرار دهد. اگر خطر دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ به اندازه‌ای باشد که او می‌گوید، فداکاری او به این کشور تنها یک انتخاب برای او و حزبش باقی می‌گذارد. روشن‌ترین راه دموکرات‌ها برای شکست دادن نامزدی که با دروغ‌های او تعریف شده، برخورد صادقانه با مردم آمریکا است.

B2n.ir/a55713

همان زمان که پیرمردها کودکانه دعوا می‌کردند، آمریکابازی را باخت



نیشن

آلیسا اورسلرا

اولین مناظره ریاست‌جمهوری بین دونالد ترامپ و جو بایدن در استودیو سی‌ان‌ان در آتلانتا برگزار شد، جایی که نمایش مسخره دموکراسی آمریکایی به نمایش گذاشته شد. ترامپ که به خاطر اعتقاد اعتماد به نفس شدیدش تقویت شده بود، فریاد می‌زد که بایدن مواد مخدر مصرف می‌کند، این در حالی است که دولت کنونی همچنان نسبت به اسرائیل در تقابل و جنگ شدیدش در غزه دلجویی می‌کند، با رهبران و مسئولانش مسامحه می‌کند و کنار می‌آید و در صورت وقوع یک جنگ همه‌جانبه اسرائیل با لبنان، قول حمایت از اسرائیل را داده است. خط‌آبی بین اسرائیل و لبنان از ۷ اکتبر هزاران بار عبور کرده است، در حالی که در همان زمان اسرائیل خط قرمز به اصطلاح بایدن در رفح را، زیر پا گذاشته است. با وجود اذعان صریح بایدن مبنی بر استفاده از بمب‌های آمریکایی برای کشتار غیرنظامیان، ارسال محموله‌های عظیم تسلیحاتی آمریکا ادامه یافت. مناظره اولین باری بود که یک رئیس‌جمهور و یک رئیس‌جمهور سابق با هم درگیر شدند، اما دوباره دژ او شد. آخرین باری که به آمریکایی‌ها برای دو انتخابات متوالی پیشنهاد شد،

اما مسئله کلماتی که از دهان او بیرون می‌آمد نبودند، بلکه نحوه برخورد آن‌ها با یکدیگر بود که رمزگشایی یا جمع کردن بین آن‌ها دشوار بود. ترامپ از سؤالات مربوط به ۶ ژانویه طفره رفت، آمریکا را لانه موشی غیرمتمدن و شکست‌خورده خواند و ادعاهای اغراق‌آمیز بی‌شماری را کنار گذاشت. همان‌طور که بحث به یک بحث کودکانه در مورد مهارت‌های گلف تبدیل شد، مشخص شد که چرا بسیاری از آمریکایی‌ها به کشوری که آن‌ها آن را خانه می‌نامند، اعتماد ندارند.

B2n.ir/f62113

شب، پیرمردها در نظرسنجی‌ها گردن به گردن بودند و ترامپ پیش‌تازی ناچیزی داشت. اما به محض شروع مناظره بایدن زمزمه می‌کرد و اغراق‌آمیز بود، در این وضعیت اتفاق نظر واضح بود که همه ما در اینجا بازنده هستیم.

مجریان در مورد هیچ سوالی به نامزدها فشار نیاوردند و اجماع واضح بود، ما اینجا همه بازنده هستیم. بایدن ترامپ را مقصر وضعیت اقتصاد دانست، در حالی که ترامپ، بایدن را جنایتکار خواند و گفت که هر محقق حقوقی می‌خواهد رو علیه وی در لغو کند. حلقه درونی بایدن موافق بود که عملکرد او ضعیف است،

سال ۱۹۵۶ بود، زمانی که ترامپ اولین دوره ریاست‌جمهوری خود را به‌عنوان کمترین محبوبیت رئیس‌جمهور تاریخ به پایان رساند. اگر او برنده شود، اولین رئیس‌جمهور پس از گروور کلیولند خواهد بود که پس از، از دست دادن آن، دوباره ریاست‌جمهوری را به دست می‌آورد. زمانی که این دو در سال ۲۰۲۰ با هم بحث کردند، ترامپ ۷۰ بار صحبت بایدن را قطع کرد. سی‌ان‌ان تصمیمی گرفت، راه‌حل این بود که میکروفون‌های نامزدها را زمانی که نوبت آن‌ها نرسید، قطع شود. بدون بیانیه افتتاحیه بدون جمعیت زنده تا

آمریکا برای رهبری غرب مناسب است؟

سورینس

افول آمریکا

روزنامه



بایدن ترامپ را به برنامه‌ریزی برای نابودی ناتو متهم کرد. او اظهارات بی حساب ترامپ را به بینندگان یادآوری کرد که از روسیه دعوت کرد با اعضای ناتو که به تعهدات دفاعی خود عمل نکردند، «هر کاری که می‌خواهند» انجام دهد. در واقع، بیش از ۷۰ درصد از متحدان ناتو اکنون در مسیری هستند که ۲ درصد اجباری تولید ناخالص داخلی را برای دفاع هزینه کنند.

ترامپ هیچ تعهدی در مورد حمایت از ناتو نداد. با برگزاری نشست هفتاد و پنجمین سالگرد ائتلاف در واشنگتن در ماه آینده، رهبران متفقین از خود می‌پرسند که آیا این اجلاس آخرین حضور باید خواهد بود؟ درگیری‌ها بر سر سیاست خارجی در طول مناظره هیچ چیز جدیدی از بایدن یا ترامپ نشان نداد، اما تضاد در ارائه آن چنان مشخص بود، حتی زمانی که ترامپ ادعاهای بسیار مشکوک می‌کرد که اصرار بایدن مبنی بر اینکه او یک رهبر قوی و قابل اعتماد بوده را تضعیف کرد. این تصور ماندگاری است که در ذهن رای دهندگان آمریکایی باقی خواهد ماند و به همین دلیل است که سیاست خارجی، معمولاً بسیار پایین‌تر از فهرست اولویت‌های افراد معمولی، می‌تواند در هنگام تصمیم‌گیری در انتخابات روز ۵ نوامبر تفاوت ایجاد کند.

is.gd/tFP0nI

به این هدف دست یابد، اما مجبور نبود چرا که آنچه او ارائه می‌دهد احتمالاً برای یک رأی دهنده سخت کوش و کم درآمد آمریکایی بسیار جذاب‌تر از جنگی ابدی در کشوری دوردست به نظر می‌رسد که میلیاردها دلار برای مالیات دهندگان هزینه دارد.

ترامپ پاسخ آسانی برای پایان دادن به جنگ در غزه نداشت، اما او بایدن حداقل به نظر می‌رسد که نقاط مشترکی دارند: هر دو متعهد شدند همیشه از اسرائیل حمایت کنند، اما ترامپ گفت که او می‌خواهد ارتش اسرائیل حماس را به هر قیمتی نابود کند، در حالی که بایدن به‌طور فزاینده‌ای در مورد روش‌های مورد استفاده برای رسیدن به آن هدف نگران شده است.

برای متحدان آمریکا، عملکرد ضعیف بایدن باعث نگرانی قابل توجهی خواهد شد. آن‌ها با آمیخته‌ای از ترس و وحشت، یک ریاست جمهوری دیگر ترامپ را پیش‌بینی می‌کنند. او مردی آسان برای کنار آمدن با ترامپ نبود و این تصور را به وجود آورد که بسیاری از رهبرانی را که با آن‌ها روبرو می‌شد نادیده می‌گرفت.

از سوی دیگر، بایدن به عنوان رئیس‌جمهوری تلقی می‌شود که مایل به گوش دادن است. هیچ کس در ائتلاف از بایدن نمی‌ترسد. ولی بسیاری از ترامپ و آنچه او برای آن دفاع می‌کند می‌ترسند.

رقابت با لاف‌های سیاست خارجی رقیب سیاسی خود تلاش کرد، تصویری که در اذهان مردم باقی می‌ماند غیرقابل انکار به نظر می‌رسید: ترامپ رهبر سرسختی است که کارها را انجام می‌دهد.

در واقعیت، مناطق خاکستری زیادی وجود دارد. در حالی که او آن را با وضوح یا استحکام کافی بیان نکرد، اما دستاورد بزرگ بایدن در مقام ریاست جمهوری این بود که ۵۰ کشور را به اتحادی تبدیل کرد تا ستون فقرات غربی را برای مبارزه اوکراین علیه روسیه فراهم کند.

آمریکا، تحت نظر بایدن، از زمان حمله روسیه به اوکراین در ماه فوریه سال ۲۰۲۲، ۱۷۵ میلیارد دلار کمک نظامی به اوکراین ارائه کرده است و در صورت پیروزی برای دومین بار در کاخ سفید، او قول داده است که اوکراینی‌ها را حمایت و برای پایان دادن به جنگ و رضایت کی‌یف تلاش کند.

در حالی که بایدن این اقدام را یک تلاش نجیب و ضروری برای جلوگیری از پیروزی پوتین در اوکراین و حرکت برای تصرف سرزمین‌های دیگر در منطقه مانند لهستان توصیه کرد، او بایدن را دهنندگان بدبین را متقاعد کند که این تنها راه پیش‌رو در زمانی است که رقیب او در کاخ سفید قول داده است که در اولین روز خود به جنگ در اوکراین پایان دهد.

ترامپ توضیح نداد که چگونه می‌تواند

اسپکتیتور مایکل ایوانزا

سیاست خارجی به ندرت نقش مهمی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ایفا می‌کند. مسائل داخلی، اقتصاد، پول در جیب، شغل، مهاجرت، این‌ها چیزی است که رای دهندگان بیشتر نگران آن هستند؛ اما این بار، ممکن است متفاوت باشد. به نظر می‌رسد اولین مناظره تلویزیونی بین بایدن و دونالد ترامپ بر یک چیز متمرکز شده بود: آیا بایدن مردی است که می‌توان به رهبری ائتلاف غربی برای یک دوره چهار ساله دیگر اعتماد کرد؟ یا همان‌طور که ترامپ القا کرد، آیا او آنقدر ضعیف و شکننده است که هیچ یک از رهبران متخاصم در جهان برای او احترامی قائل نیستند، چه رسد به اینکه از او بترسند؟

به نظر می‌رسد ترس برگ برنده رئیس‌جمهور سابق است. همان‌طور که او در مناظره به بایدن و رای دهندگان گفت، اگر او رئیس‌جمهور بود، ولادیمیر پوتین هرگز جرات حمله به اوکراین را نداشت و حماس نیز این جنایت را در ۷ اکتبر سال گذشته علیه اسرائیل مرتکب نمی‌شد.

در حالی که ادعای او غیرقابل اثبات است، اما به یکی از مانتراهای مورد علاقه ترامپ تبدیل شده است و در مناظره‌ای که بایدن در آن دچار لغزش شد و برای

روی آوردن به شرکت‌های خصوصی برای عملیات سایبری تهاجمی

سال یا ۳۰۰ هزار دلار برای سه سال برای نظارت بر آدرس‌های ایمیل فردی دریافت می‌کند. قراردادهایی که به سال ۲۰۱۶ با مشتریان مختلف از جمله اداره امنیت عمومی چنگدو، موسسه شماره ۳ وزارت امنیت عمومی و شرکت‌های فناوری بازمی‌گردد، نشان می‌دهد که [iS00N] به ارائه‌دهنده جاسوسی و نرم‌افزار برای سایر پیمانکاران تبدیل شده است. توافق‌نامه‌های متن کامل نادر است، اما [iS00N] قراردادی با اداره امنیت عمومی ولایت خودمختار بایینگولین مغول برای یک حساب‌های ایمیل مهاجران اویغور و پایگاه‌های داده در ماکائو، مالزی، قزاقستان و پاکستان دارد. این روگرفت همچنین نشان می‌دهد که برخی از اپراتورهای [iS00N] دستمزد بسیار کمی می‌گیرند و احتمالاً به آن‌ها اجازه می‌دهد روزها برای دولت حزب کار کنند، اما از تجهیزات و نرم‌افزار شرکت برای کلاهبرداری پرسود در شب استفاده کنند.

is.gd/OzkepB

آخرین ممکن است به دلیل افزایش عملیات اطلاعاتی یکن باشد که منجر به انتقال کار از سازمان‌های امنیتی دولتی به پیمانکاران شود. برخی از شرکت‌های شناخته شده شامل اپراتورهای مستقل مانند [iS00N] و [Chengdu 404] و همچنین بخش‌های وزارت امنیت دولتی مانند [Hunan Xiaoruizhi S&T] و [Hainan Xiandun Technology] هستند. خاستگاه شرکت‌های نوع [iS00N] را می‌توان به «هک‌های میهنی» در دهه ۱۹۹۰ برگرداند که چهره‌هایی مانند لین یونگ و «یونیون هنکر» او و وو هایبورادر آن حضور داشتند. در اوایل دهه ۲۰۰۰، نهادهای نظامی پیچیده‌تر، مانند واحد ۶۱۳۹۸ (نام یک واحد سری در ارتش آزادی بخش خلق چین)، حملات پیچیده‌ای را انجام می‌دادند که به نظر می‌رسد هک به استان ارتش تبدیل شده است. اسناد فاش شده [iS00N] یک تجارت هک برای جمهوری خلق چین را نشان می‌دهد. این شرکت ۱۲۵ هزار دلار در

کرده است. این اولین باری نیست که چنین فعالیت‌هایی فاش می‌شوند، با افشای اطلاعات قبلی فعالیت‌های مشابه در سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۱. این افشاگری توسط شرکت امنیت سایبری «مندیانت» به عنوان «محدود اما عمیق» توصیف شد که دسترسی بی‌سابقه‌ای را به فعالیت‌های داخلی نشان داد. تغییر چین به سمت هکرهای بخش خصوصی بخشی از گسترش دو دهه عملیات جاسوسی است که نهادهای مختلف از جمله مقامات دولتی خارجی، مخالفان، فعالان هنگ کنگ، روزنامه‌نگاران متمرکز در چین و مشاغل خارجی را هدف قرار می‌دهد. تغییر دیجیتال منجر به موفقیت‌های متعددی شده است، مانند جمع‌آوری اطلاعات در مورد ۲۰ میلیون کارمند دولت آمریکا و هک کردن ایمیل‌های وزیر بازرگانی آمریکا. با این حال، عملیات سایبری چین با آموزش نامتوازن و شیوه‌های گاه به گاه سلخته مواجه شده است. روند خصوصی‌سازی

دیفنس وان سینگر/برزیل

افشای اطلاعات اخیر و سایر افشاگری‌ها در مورد استفاده یکن از شرکت‌های هکری، چگونگی تغییر خصوصی‌سازی با ویژگی‌های چینی در عملیات اطلاعاتی دولت را روشن می‌کند. در ماه فوریه، ۵۷۷ سند دزدیده شده از شرکت هک چینی [iS00N] در گیت‌هاب (یک سرویس میزبانی وب برای پروژه‌هایی است که از سیستم سورس کنترل گیت استفاده می‌کنند) ریخته شد. مرکز توسعه دهندگان متعلق به مایکروسافت به سرعت فایل‌ها را حذف کرد، اما قبل از آن که تحلیل‌گران و رسانه‌ها در سراسر جهان ظاهر «بی‌همتایی» را تبلیغ کنند. افشای اسناد [iS00N] نشان داد که شرکت‌های خصوصی عملیات سایبری تهاجمی را به نمایندگی از ادارات امنیت عمومی و ادارات امنیت دولتی چین انجام می‌دهند. این شرکت از اهدافی در سراسر اروپا، آسیا و آمریکای شمالی جاسوسی

دیپلماسی «گرگ جنگجو» منسوخ شده است؟



فان افروز تایپر جاستا

در سال ۲۰۱۹، دیپلمات‌های چین در توئیتر، کنفرانس‌های مطبوعاتی و پشت درهای بسته شروع به اظهارات تند، کنایه‌آمیز و منفی کردند. این مسئله نشان‌دهنده انحراف از سبک لفاظی با درایت و محتاطانه قبلی آن‌ها بود که منجر به لقب «گرگ جنگجو» (گونه‌ای از دیپلماسی قهری است که توسط دیپلمات‌های چینی در دولت «شی جین پینگ» اتخاذ شده است) شد. هدف اصلی این دیپلماسی خلع سلاح منتقدان خارجی از طریق درگیری‌های عمومی، اغلب با استفاده از زبانی هیجان‌انگیز بود. به عنوان مثال، یک دیپلمات ارشد در پاکستان در توئیتر با مشاور امنیت ملی سابق آمریکا با نیش و کنایه صحبت کرد.

دیپلماسی گرگ جنگجو در جریان گذار چین به یک استراتژی بزرگ قاطعانه‌تر تحت رهبری شی ظاهر شد. این سبک ارتباط از لحنی منفی‌واز لحاظ احساسی محرک استفاده می‌کرد که در تضاد با زبان خوشایند و دلپذیری است که معمولاً توسط

از محیط بین‌المللی و تهدیدی بود که برای حکومت آن‌ها ایجاد می‌کرد. این امر نشان می‌دهد که کاهش لفاظی‌های چین ممکن است دائمی نباشد، زیرا هیئت دیپلماتیک چین می‌تواند به سرعت خود را با شرایط در حال تغییر وفق دهد. علاوه بر این، واشنگتن باید در نظر بگیرد که چگونه اظهاراتش در مورد حاکمیت دولت چین ممکن است فرصت‌های ارتباطی را تضعیف کند.

is.gd/lFhLa6

کلی سبک دیپلماتیک جدید را بی‌ادبانه و بی‌تدبیری می‌دانستند. محققین و مفسران سیاست خارجی در آمریکا، گرگ جنگجو چین را افرادی «پرشور»، «غیور»، «سرسخت»، «آشوبگر» و «تهاجمی» توصیف کرده‌اند. با این حال، خود دیپلمات‌های چینی استدلال می‌کنند که اظهارات آن‌ها پاسخی تدافعی به خصومت است و «تهمت‌های بدخواهانه» را به چین اصلاح می‌کنند. ظهور و سقوط دیپلماسی گرگ جنگجو در چین تحت تأثیر درک رهبران چینی

دیپلمات‌ها استفاده می‌شود. دیپلمات‌های چینی مقامات خارجی را در مقایسه با رهبران چینی که ثبات، درستی اخلاقی و عقل سلیم از خود نشان می‌دادند، ریاکار، بی‌فضیلت یا غیرمنطقی توصیف کردند. در ماه ژوئن سال ۲۰۲۱، سفیر چین در فرانسه مفتخر شد که او را گرگ جنگجو نامید و ادعا کرد که چنین دیپلمات‌هایی از چین در برابر منتقدان این کشور در خارج از کشور محافظت می‌کنند. با این حال، مخاطبان خارجی به طور

نتیجه اتحاد چین و روسیه

ام‌اس‌ان مایکل پک

اتحاد چین و روسیه که از دهه ۱۹۵۰ موضوع نگرانی بوده است، اتحادی محکم مانند ناتو نیست، بلکه ازدواج دو شریک مشکل‌دار است که دیدگاه بدبینانه‌ای نسبت به نظم بین‌المللی تحت رهبری آمریکا دارند، اما اغلب دیدگاه‌های متفاوتی دارند. این رابطه با وابستگی مشترک اما سوءظن عمیق در مورد اعتماد و اتکا مشخص می‌شود. رهبران غربی از سناریویی می‌ترسند که تجاوز روسیه به اروپا هم‌زمان با حمله چین به تایوان باشد که باعث افزایش بیش از حد منابع آمریکا می‌شود و به متحدان آمریکا اجازه می‌دهد که تحت فشار قرار گیرند.

از سال ۲۰۰۵، ارتش روسیه و ارتش آزادی بخش خلق چین حدود ۲۵ رزمایش مشترک با شرکت کشتی‌ها، هواپیماها و نیروهای زمینی برگزار کرده‌اند. پکن و مسکو نیز برای انجام

گشت زنی مشترک، از جمله حادثه سال ۲۰۲۳ در نزدیکی حریم هوایی کره جنوبی، با هم متحد شده‌اند. چین به عامل اصلی جنگ روسیه در اوکراین تبدیل شده است، زیرا تحریم‌های غرب روسیه را از داشتن قطعات کلیدی مانند الکترونیک محروم کرده است. با این حال، این عملیات با نوع عملیات یکپارچه‌ای که امروزه توسط آمریکا و انگلیس در جنگ جهانی دوم یا ناتو انجام می‌شود، برابری نمی‌کند. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید از ارزیابی بیش از حد وضعیت همکاری نظامی و ادغام عملیاتی بین روسیه و چین اجتناب کنند.

رزمایش‌های نظامی روسیه و چین به عنوان موازی و نه مشترک، با تعامل محدود در زمینه‌هایی مانند برنامه‌ریزی و فرماندهی و کنترل توصیف شده‌اند. این امر منجر به همکاری نظامی شده که بیشتر نمادین است تا عملی. تعهد چین به این رزمایش‌ها نسبتاً کم

است و ارتش آزادی بخش خلق بیشتر علاقه‌مند به یادگیری از روسیه است تا به اشتراک گذاشتن بینش در مورد توانایی‌های نظامی آن. روسیه قصد دارد تصویری از همکاری مشترک با چین ارائه دهد تا با این تصور که مسکو منزوی و آسیب‌پذیر است مقابله کند. ناتو و آمریکا و کره جنوبی قصد دارند به عنوان ائتلاف بجنگند و به آموزش در فرماندهی و کنترل ترکیبی، هدف‌گیری، اطلاعات و شناسایی، لجستیک و عملیات نیاز دارند. روسیه و چین به‌رغم اینکه به روابط نظامی خود می‌بالند، اعتقاد چندانی به مهارت نظامی یکدیگر ندارند. برخی از ائتلاف‌ها از سایرین تنگ‌تر هستند، مانند اتحاد بزرگ با اتحاد جماهیر شوروی که در آن روسیه و متحدان غربی مبارزات موازی و عمدتاً ناهماهنگی را در فضای بی‌اعتمادی متقابل به راه انداختند. در معاهده دوستی سال ۲۰۰۱، چین و روسیه توافق کردند که در

صورت حمله به هر یک از کشورها با یکدیگر مشورت کنند، اما قول ندادند که از طرف یکدیگر بجنگند. در عوض، «رند کورپوریشن» پیشنهاد می‌کند که بهترین واکنش برای آمریکا و متحدانش این است که متحدان نزدیک‌تر شوند. در این گزارش توصیه شده است: «موثرترین راه آمریکا برای مقابله با شراکت راهبردی روسیه و چین، تضمین سلامت اتحاد‌های خود و پیگیری همکاری بیشتر با مهم‌ترین متحدان و شرکای خود است.»

در پایان، اتحاد‌های موفق آمیزه‌ای از منافع شخصی ملی نیستند، بلکه از ارزش‌های مشترک هستند. این امر ممکن است تفاوت واقعی بین اتحادی مانند ناتو که اکثر اعضای آن به دموکراسی، حقوق فردی و تجارت آزاد اعتقاد دارند، در مقابل دوستی چین و روسیه بر اساس این سوال باشد که «چه نفعی برای ما دارد؟»

is.gd/xj1idu

روند همکاری ترکیه با حزب‌الله چگونه خواهد بود؟



نشنال اینترست سینان جدی

انتظار می‌رود که ترکیه نقش مهمی در هرگونه درگیری احتمالی بین اسرائیل و لبنان ایفا کند. آنکارا به‌طور سنتی بر محدود کردن نفوذ منطقه‌ای تهران متمرکز بوده و لبنان نمونه بارز آن است. اگر یک درگیری نظامی مستقیم بین اسرائیل و لبنان رخ دهد، آنکارا احتمالاً از این مسئله به‌عنوان فرصتی برای تضعیف اسرائیل استفاده خواهد کرد.

رجب طیب اردوغان از زمان حملات تروریستی ۱۷ اکتبر، موضعی قاطعانه علیه اسرائیل اتخاذ کرده است. در روز ۲۵ ژوئن، هاگان فیضان، وزیر امور خارجه ترکیه، به قبرس در مورد حمایت مداوم این کشور اتحادیه اروپا از اسرائیل هشدار داد و آن را متهم کرد که به‌عنوان «مرکز عملیات اسرائیل» عمل می‌کند. فیضان از قبرس خواست از حمایت از جنگ اسرائیل علیه حماس خودداری کند، زیرا او معتقد است که می‌تواند به یک قدمی قبرس برسد. اقدامات گذشته ترکیه ممکن است

آمریکا تمایلی به ارائه کمک نظامی به اسرائیل در مورد جنگ با لبنان ندارد. از سوی دیگر، امید بستن به ترکیه برای حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای ممکن است به یک رویا تبدیل شود. باید به خاطر داشت که هدف آنکارا جلوگیری از جنگ یا دستیابی به آتش‌بس در غزه نیست. این کشور علاقه‌مند به تسهیل شکست و تحقیر اسرائیل در صحنه جهانی است.

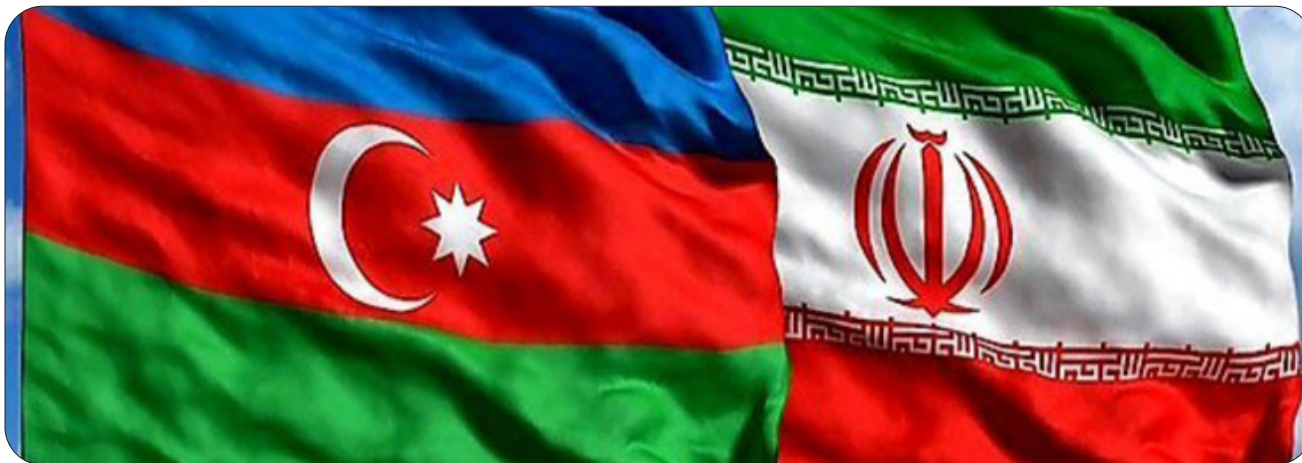
is.gd/U4fgn9

ترکیه ممکن است در روزهای آینده پیشنهادی ارائه دهد، کمک نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مستقر در لبنان (یونیفیل) و قرار دادن آن‌ها در امتداد مرز اسرائیل و لبنان به‌عنوان حائل است. این امر باعث می‌شود اسرائیل از شلیک به سربازان ترکیه خودداری کند. واشنگتن هم‌اکنون نسبت به درگیری گسترده‌تر در منطقه محتاط است. ژنرال چارلز براون، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، حتی به اورشلیم اطلاع داده که

بینشی از موضع این کشور در قبال حزب‌الله ارائه دهد. آنکارا به منافع منطقه‌ای حزب‌الله با ایران علاقه ندارد، بلکه به تضعیف اسرائیل علاقه‌مند بوده و ممکن است با هر گروه یا قدرتی برای رسیدن به این هدف همکاری کند. از زمان حملات ۱۷ اکتبر، اردوغان علناً اعلام کرده است که جهان اسلام باید علیه حملات اسرائیل در فلسطین متحد شود.

یکی از ایده‌های احتمالی مبنی بر اینکه

ایران نباید قفقاز جنوبی را با غرب آسیا اشتباه بگیرد



در میان جهان عرب و قفقاز، حتی باعث سرد شدن روابط ایران با ارمنستان شده است. در روز ۲۱ ژوئن، به رسمیت شناختن استقلال فلسطین توسط ارمنستان مورد تمجید بسیاری از کشورهای مسلمان قرار گرفت. حتی رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور شخصاً با این اقدام ارمنستان موافقت کرد و اظهار داشت که ارمنستان را تحسین می‌کند. متعاقباً همه کشورهای عربی نگرش مثبت خود را نسبت به تصمیم ارمنستان اعلام کردند، اما با این حال، ایران که پیوسته مدعی حمایت از فلسطین بوده و روابط نزدیکی با ارمنستان به عنوان آخرین متحد خود برقرار کرده است تا یک هفته بعد رسماً به تصمیم ارمنستان پاسخ نداد و صرفاً اظهار داشت که این موضوع را «تشویق» می‌کند و پیام واقعی ایران در حاله‌ای از ابهام تلقی شد. بدیهی است که تصمیم ارمنستان برای اعلام این موضوع پس از تماس تلفنی پاشینیان و اردوغان در روز ۱۸ ژوئن و اظهارات آرات میرزویان وزیر امور خارجه مبنی بر عادی سازی روابط با ترکیه، ایران را بسیار آشفته کرده است. به نظر می‌رسد که ایران از عمد نسبت به ارمنستان در راستای عادی سازی و توسعه روابط با آذربایجان و ترکیه ناراضی است. در حالی که آذربایجان و ارمنستان که سال‌ها در شرایط جنگی بوده‌اند و سال‌هاست که درباره توافقنامه صلح در منطقه گفت‌وگو نکرده‌اند، اکنون پویایی قدرت در حال تغییر است و آنان در مسیر پیشرفت قفقاز اقدامی جسورانه و بسیار مهم برمی‌دارند. روند صلح بین این دو کشور در قفقاز جنوبی در دستور کار بسیار بالایی قرار دارد، اما انگار هنوز این موضوع به مذاق بسیاری خوش نیامده است و باید دید که دیگر کشورهای منطقه‌ای یا خارجی دیر یا زود این واقعیت را می‌پذیرند یا کماکان پشت سیاست‌های دوگانه خودشان مخفی می‌شوند.

https://cutly.vercel.app/d_Zv9

کشته شدند و هیچ اشاره‌ای به کشته‌شدگان مسلمان آذربایجان نکرد.

ذکر این نکته ضروری است که آذربایجان این تسلیحات و تجهیزات نظامی را از اسرائیل با سرمایه شخصی خود برای آزادسازی سرزمین‌های خود از اشغال ارمنستان خریداری کرده است، اما با این حال، تهران رسماً در طول جنگ ۴۴ روزه ارمنستان، مقادیر قابل توجهی تسلیحات و تجهیزات نظامی به ارمنستان ارسال کرد تا اراضی تحت اشغال را حفظ کند و از آن علیه یک کشور مسلمان دیگر استفاده کند.

جالب‌تر اینجاست که تمامی اظهارات رسمی ایران حاکی از حمایت آن‌ها از صلح است، اما با این حال، تهران به شکلی که از دستیابی به صلح حمایت می‌کند، در عمل مسیر دیگری را پیش گرفته است.

به نظر می‌رسد امضای توافقنامه صلح بین آذربایجان و ارمنستان با منافع ایران همخوانی ندارد. همین دیروز بود که اظهارات تحریک‌آمیز دیگری از سوی سفیر ایران در ارمنستان در رسانه‌ها منتشر شد. وی خاطرنشان کرد که نتایج امروز انتخابات ریاست جمهوری ایران هیچ تغییری در روابط با ارمنستان ایجاد نخواهد کرد و به شکل ضمنی اظهار داشت که ایران در کنار ارمنستان به نفع منافع خودش ایستاده است. در پاسخ به سؤالی درباره آذربایجان، وی تأکید کرد که آذربایجان باید استفاده از زبان «تهدیدآمیز» در قبال ارمنستان را متوقف کند.

او با بیان چنین اظهارات تحریک‌آمیزی در زمانی که رویدادهای مربوط به تحدید حدود و تعیین مرزها بیش از پیش می‌شود، در واقع اعلام کرده است که در خدمت منافع دولت ایران در راستای صلحی نامعلوم پیش خواهد رفت.

شاید ذکر است که گام‌های رهبری کنونی ارمنستان در جهت صلح طلبی و مقبولیت بیشتر

آذر نیوز

فاطمه لتیفوا

مذاکرات صلح جاری بین آذربایجان و ارمنستان می‌تواند جاه طلبی‌ها و خواسته‌های هم‌مونیک بسیاری از قدرت‌ها در قفقاز جنوبی را خنثی کند. شایان ذکر است که درگیری طولانی مدت قره‌باغ بین باکو و ایروان توجه بسیاری از کشورها را به این منطقه جلب کرده است. در کنار حضور غرب در این ماجرا، ایران همسایه آذربایجان و ارمنستان نیز تا حدودی از این درگیری سعی در ایجاد موقعیت برای منافع شخصی داشته‌اند.

نزدیکی ایران به ارمنستان، سیاست‌های بحث‌برانگیز این کشور، سکوتش در قبال کشتارهای ۳۰ ساله‌ای که در سرزمین‌های آذربایجان علیه این مردم رخ داد واقعاً باعث تأسف است. در جریان از سرگیری جنگ اسرائیل و فلسطین، ایران از جمله کشورهای مسلمانی بود که علیه اسرائیل به خاطر دفاع از حقوق مظلومین غزه تظاهرات کرد، اما جالب اینجاست که جمهوری اسلامی ایران به وجود مساجدی که توسط ارمنه به دام‌داری و محل پرورش خوک تبدیل شده و آذربایجانی‌های مسلمانی که توسط ارمنه از خانه‌های خود رانده شده بودند، اشاره نکرده است. به‌رغم اینکه آذربایجان با ایران مرز مشترک دارد و قره‌باغ در مجاورت آن بسیار نزدیک است، ایران چشمان خود را بر اقدامات ارمنستان بست و در این موضوع منافع خود را بر اعتقادات خودش مقدم دانست.

در سال ۲۰۲۰، زمانی که ارتش آذربایجان اقدامات تحریک‌آمیز ارمنستان را متوقف کرد و یک ضد حمله را آغاز کرد، ایران از این اقدامات خرسند نبود و هیچ‌گونه واکنش مثبتی نسبت به این موضوع ارائه نکرد. حتی امسال، در ماه آوریل، مهدی سبحانی، سفیر ایران در ارمنستان در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که سربازان ارمنی با سلاح‌های اسرائیلی در جریان جنگ دوم قره‌باغ

علت کاهش ارسال تسلیحات آمریکا به اسرائیل

وال استریت ژورنال نانسی یوسف / جرد مالسین

محموله‌های تسلیحاتی آمریکایی به اسرائیل از ماه‌های اولیه جنگ غزه کاهش یافته است، زیرا بسیاری از تسلیحات قبلاً سفارش داده شده، قبلاً ارسال یا تحویل داده شده‌اند در حالی که دولت اسرائیل درخواست‌های جدید کمتری ارائه کرده است. این موضوع روابط بین اسرائیل و کاخ سفید را در هفته گذشته متلاطم کرده است و بنیامین نتانیا هو، سرعت تحویل کنونی را پایین می‌داند. مقامات آمریکایی و اسرائیلی هر دو موافق هستند که از ماه مارس، تقریباً همزمان با پایان

اجرای دستورات موجود توسط آمریکا، تغییری رخ داده است. سرعت تحویل کنونی در مقایسه با انتقال هوایی عظیم ده‌ها هزار سلاح در ماه‌های اولیه پس از حملات ۷ اکتبر حماس، تنها یک کاهش است و در حال حاضر مشابه یا حتی بالاتر از سطوح زمان صلح است. دولت بایدن گفته است که هیچ تغییری در سیاست کلی تسلیح اسرائیل ایجاد نشده است. فقدان شفافیت در مورد فروش تسلیحات به اسرائیل به بایدن کمک کرده است، زیرا او مجبور نیست روزانه با آنچه که تحویل داده شده، سروکار داشته باشد.

فروش عمده نظامی خارجی آمریکا از طریق فرآیند اطلاع‌رسانی کنگره انجام می‌شود. افزایش اولیه تسلیحات پس از شروع جنگ در غزه شامل ۶۰۰ مورد فروش نظامی احتمالی به ارزش بیش از ۲۳ میلیارد دلار بین آمریکا و اسرائیل بود. مناقشه بر سر تسلیحات، زمانی آغاز شد که نتانیا هو دولت بایدن را متهم کرد که اسرائیل را از سلاح محروم کرده است. او ادعاهای خود را در یک ویدئوی انگلیسی زبان و مصاحبه با تلویزیون اسرائیل که روز یکشنبه و بارها در مقابل کابینه وی پخش شد، تکرار کرد. این اختلاف برای هر دو طرف

خطرات زیادی دارد زیرا انتظار می‌رود نتانیا هو به دعوت مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان، در ۲۴ جولای در کنگره سخنرانی کند. رهبر اسرائیل همچنین ممکن است به زودی با حکم سدی دادگاه کیفری بین‌المللی مواجه شود. برخی از تحلیلگران سیاسی اسرائیلی معتقدند نتانیا هو این کار را برای اهداف سیاسی خود انجام می‌دهد، زیرا با سؤالاتی در مورد نحوه مدیریت جنگ و تشدید درگیری با رهبری نظامی اسرائیل بر سر عملیات در غزه مواجه است.

B2n.ir/m43311

چه کسی وزیر دفاع بعدی آمریکا است؟

ریل کلیر دینفس استوارت شلرا

ارتش آمریکا شکست را تحمل می‌کند، استعدادها را از بین می‌برد و منابع را با نرخی ناپایدار هدر می‌دهد. رویا پردازان واقعی وزارت دفاع باید در مورد چگونگی اصلاح آخرین نهاد بزرگ آمریکایی به توافق برسند.

سرهنگ اندرسون به درستی مشکلات سیستمی را که رهبری نظامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد شناسایی کرد، اما توصیه‌های او برای اصلاحات ناکام ماند. سرهنگ اندرسون و بسیاری دیگر از اصلاح‌طلبان نظامی معتقدند راه بازگشت به پیروزی با به‌روزرسانی کنگره در قانون گلدواتر-نیکولز حاکم بر مدل مشترک فعلی آغاز می‌شود؛ اما این یک کار احماقانه است.

رئیس‌جمهور بعدی مهم‌ترین و مؤثرترین راه را برای اصلاحات نظامی واقعی فراهم می‌کند. کنگره هرگز موافقت نخواهد کرد و رهبری نظامی هرگز سیستمی را اصلاح نخواهد کرد که عناوین و موقعیت‌های آن‌ها را تأیید کند. رهبران وزارت دفاع باید بتوانند برترین‌های ارتش را شناسایی کنند.

رهبر بعدی وزارت دفاع باید مشکلات



مربوط به فرهنگ از دست رفته ارتش فعلی را درک کند و از اعتبار حرفه‌ای برای تأثیرگذاری بر تغییرات برخوردار باشد. تخصص آن‌ها در تولید مرگبار در میدان نبرد باید بی‌ظنیر باشد. بر اساس تفکر من، تنها یک نفر دارای این مجموعه منحصر به فرد از شرایط است: «اریک پرینس».

اریک پرینس، نیروی دریایی سابق، بیشتر به‌عنوان مالک سابق شرکت امنیتی خصوصی بلک واتر شناخته می‌شود. نام او باعث ایجاد احساسات می‌شود. با این حال، او، مانند بسیاری چیزهای دیگر که در چند سال گذشته متوجه شده‌ام، بسیار متفاوت از تیت‌هایی است که درباره او خوانده‌اید. هرکسی که با پرینس گفت‌وگو کند، از عمق دانش او در زمینه رهبری، تاریخ نظامی و مهم‌تر از همه، مدیریت تجارت شکست‌زده می‌شود. من از پرینس پرسیدم که آیا جاه‌طلبی برای وزیر دفاع بعدی دارد یا خیر و او گفت: «من هرگز توسط کنگره تأیید نخواهم شد.» او می‌داند که منتقدان شهرت شخصی، دیدگاه‌های سیاسی و سابقه تجاری او را بد توصیف می‌کنند. پرینس معتقد است فردی مانند سرهنگ داگ مک گرگور انتخاب بهتری است. سرهنگ مک گرگور، اگر به او نگاه کنید، رزومه بسیار خوبی دارد. او همچنین یکی

از صداهایی است که از اصلاحات نظامی در حزب محافظه‌کار آمریکایی حمایت می‌کند.

پرینس، پسر یک خودروساز موفق، ثروت اولیه خود را از پدرش به ارث برده است؛ اما اهمیتی که پدرش برای تولید قائل بود که توسط اریک در مدل بلک واتر او تکرار شد، شاید یکی از ویژگی‌های مهم آن بود. تجربه و بینش تجاری پرینس برای تبدیل بودجه سالانه تریلیون دلاری وزارت دفاع بی‌ظنیر خواهد بود.

ترامپ و انتخاب او برای وزیر دفاع بعدی، می‌توانند مدل نظامی شکست‌خورده آمریکا را اصلاح کنند. هوش تجاری و تجربه نظامی اریک پرینس او را واجد شرایط استثنایی برای این نقش می‌کند. من معتقدم که او باید یک سیستم مبتنی بر عملکرد مبتنی بر رقابت را پیاده‌سازی کند تا نیروی ما را در میدان نبرد آینده تقویت کند؛ و در پایان، هیچ رزومه‌ای بهتر برای یک آمریکایی که قادر به مدیریت عملکرد مالی باشد وجود ندارد. همه این تغییرات بدون قانون امکان‌پذیر است، اما بدون یک فرمانده کل قوا و وزیر دفاع قوی اتفاق نخواهد افتاد.

B2n.ir/b70052

سی‌ان‌ان / ایوانا کوتاسوفا

روسیه جرات مقابله با ناتو را ندارد!



هنگامی که کسی در اوایل این ماه سعی کرد یک گاراژ اتوبوس در پراگ، پایتخت جمهوری چک را به آتش بکشد که البته شکست خورد، آتش سوزی ناموفق توجه زیادی را جلب نکرد. تا اینکه، پتر فیالا نخست‌وزیر چک، فاش کرد که «بسیار محتمل» است که مسکو پشت آن باشد.

این اتهام باعث نگرانی مقامات امنیتی و دولت‌ها شد زیرا چندین حادثه مشابه در ماه‌های اخیر در سراسر اروپا رخ داده است. «موزه سرگرمی» در ریگا در ماه فوریه هدف حمله آتش سوزی قرار گرفت. یک انبار لندن در ماه مارس سوخت و یک مرکز خرید در ورشو در ماه می در آتش سوخت. پلیس آلمان چندین نفر را مظنون به برنامه‌ریزی برای انفجار و آتش سوزی در ماه آوریل دستگیر کرد و مقامات فرانسوی پس از بازداشت یک سازنده بمب که در اوایل ماه جاری در یک انفجار ناموفق زخمی شده بود، تحقیقات ضد تروریستی را آغاز کردند. چندین حمله هکری و حوادث جاسوسی در کشورهای مختلف اروپایی گزارش شده است. در همان زمان، اتحادیه اروپا روسیه و بلاروس را متهم کرده است که با فشار دادن پناهجویان از کشورهای ثالث به سمت مرزهای خود، مهاجرت را تسلیحاتی می‌کنند. چندین حمله مشکوک نیز علیه افراد صورت گرفته است: یک سرباز فراری روسی در اسپانیا به ضرب گلوله کشته شد و یک چهره مخالف تبعید شده در لیتوانی به طرز وحشیانه‌ای با چکش مورد حمله قرار گرفت.

حملات به ظاهر تصادفی یک چیز مشترک دارند: به گفته مقامات محلی، همه آن‌ها به روسیه مرتبط هستند و در حالی که ممکن است در انزوا جزئی به نظر برسند، اما مجموع این حوادث همان چیزی است که کارشناسان امنیتی می‌گویند جنگ ترکیبی روسیه علیه غرب است.

ما توسط چیزی تهدید می‌شویم که یک حمله نظامی تمام‌عیار نیست که این تهدیدات ترکیبی است. همه چیز از مداخله در فرآیندهای سیاسی ما، (تضعیف) اعتماد به نهادهای سیاسی ما، اطلاعات نادرست، حملات سایبری و خرابکاری شروع می‌شود. راد تورنتون، مدرس ارشد مطالعات دفاعی در کالج کینگ لندن، گفت که یک الگوی حملات مرتبط با روسیه وجود دارد. وی گفت: در چند ماه گذشته قطعاً افزایشی در این نوع خاص از عملیات وجود داشته است. مسکو مسئولیت هیچ یک از این حملات را بر عهده نگرفته و به درخواست سی‌ان‌ان برای اظهار نظر پاسخ نداده است، اما ولادیمیر پوتین، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به صراحت گفته است که جنگ در اوکراین را بخشی از درگیری گسترده‌تر با ناتو می‌داند و حکومت او دولت در کی‌یف را صرفاً نیروی نیابتی غرب می‌داند و با هر افزایش کمک‌های غرب به اوکراین چه از طریق تحویل سلاح‌های جدید، یا اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه، کرملین حملات خود را افزایش داده است. تورنتون گفت که روسیه به عنوان جایگزینی برای جنگ تمام‌عیار با ناتو به کارزار خرابکاری متوسل می‌شود که برای روسیه فاجعه‌بار خواهد بود. او گفت: «این امر مدت‌ها بخشی

از دکترین نظامی روسیه است که تلاش می‌کند از رویارویی با ناتو در میدان نبرد اجتناب کند، زیرا آن‌ها می‌دانند که در مقابل نیروهای ناتو شکست خواهند خورد». وی افزود: «کاری که آن‌ها انجام می‌دهند انجام فعالیت‌هایی است که زیر آستانه درگیری مسلحانه است، بنابراین آن‌ها واکنش بند ۵ را از سوی ناتو تحریک نمی‌کنند.»

تورنتون گفت که روسیه با نگره داشتن عمدی حملات در زیر آستانه درگیری مسلحانه، امیدوار است که اختلافات بیشتری را در ناتو ایجاد کند، زیرا هیچ طرح روشنی در مورد چگونگی عمل وجود ندارد.

نیکول ولکوف، محقق روسیه در موسسه مطالعات جنگ مستقر در آمریکا، گفت که هدف اصلی روسیه در حال حاضر مختل کردن جریان کمک‌های نظامی غرب به اوکراین است.

او گفت: «این عملیات ترکیبی بخشی از تلاش‌های جنگی روسیه برای تضعیف عزم غرب برای حمایت از اوکراین و تضعیف وحدت در غرب است.»

او به سی‌ان‌ان گفت: «روسیه از قبل از جنگ، این عملیات‌های ترکیبی را علیه ناتو، غرب، اتحادیه اروپا، همراه با تلاش‌هایش برای بهبود توانایی‌های نظامی متعارف خود برای درگیری

احتمالی آینده با ناتو انجام می‌دهد.» بیشتر حملاتی که تاکنون کشف شده‌اند، نسبتاً جزئی بوده‌اند و نشان می‌دهد که هدف روسیه به اندازه ترساندن مردم محلی، ایجاد بزرگ‌ترین آسیب ممکن نیست. محققان می‌گویند بسیاری از این حملات با یک کارزار اطلاعات نادرست همراه است که برای منحرف کردن سرزنش از روسیه طراحی شده است. بر اساس تحقیقات انجام شده توسط گروهی از فعالان داوطلب که کارزارهای اطلاعات نادرست را که در اینترنت چک منتشر می‌شود، نظارت، تجزیه و تحلیل و مبارزه می‌کنند، این همان چیزی است که پس از آتش سوزی نافرجام در پراگ اتفاق افتاد.

این گروه گفت که کارزارهای اطلاعات نادرستی که تحت نظارت آن‌ها قرار دارد، سعی در بی‌اهمیت جلوه دادن این حملات و بی‌اعتبار ساختن دولت چک داشتند. یک روایت به دنبال این بود که اتهام فیلا مبنی بر اینکه روسیه در پشت آتش سوزی قرار دارد به عنوان تلاشی برای منحرف کردن تمرکز از نمایش ضعیف دولت در انتخابات پارلمان اروپا به تصویر بکشد. دیگران حقایق را مسخره کردند و گفتند که این حمله «فقط» روی چند اتوبوس تأثیر گذاشته است.

tinyurl.com/2nmwjpjw

نیوزویک / مایک کلی

چرا کشتی‌های جنگی روسیه در کوبا برای آمریکا اهمیت دارند؟



وینستون چرچیل زمانی گفت: «کسانی که از تاریخ درس نگیرند، محکوم به تکرار آن هستند». این جمله به‌ویژه امروز صادق است، زیرا ما شاهد گسترش نفوذ سیاسی خارجی در نیمکره غربی با سرعت نگران‌کننده هستیم.

در هفته‌های اخیر، ناوگانی از کشتی‌های جنگی روسیه به آب‌های کوبا در کمتر از ۱۰۰ مایلی سواحل فلوریدا کشیده شدند. استقرار کشتی‌های جنگی، از جمله یک زیردریایی هسته‌ای، آخرین تحریک مستقیم ولادیمیر پوتین به غرب، به‌ویژه آمریکا است. ما نباید این حرکت را ساده بگیریم. این آخرین تلاش مسکو برای اعمال نفوذ در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب است که در طول جنگ سرد انجام داد، تهدیدهایی که در نهایت به بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ منجر شد. قبلاً در مورد تهدیدات چین در داخل و اطراف آمریکا هشدار داده بودم. در سال ۲۰۲۳، جهان نزدیک به یک هفته شاهد عبور یک بالون در ارتفاع بالا متعلق به چین بود که بر فراز پایگاه‌های نظامی آمریکا معلق بود و اطلاعات محرمانه و حساس را جمع‌آوری می‌کرد.

تابستان گذشته، متوجه شدیم که چین از سال ۲۰۱۹ یک پایگاه جاسوسی در کوبای کمونیستی راه‌اندازی کرده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که دو کشور آموزش نظامی مشترکی را در کوبا برگزار کرده‌اند، این کشور همچنین خانه بنادر آب‌های عمیقی است که چین برای حفظ ناوگان دریایی خود حیاتی است. به همین دلیل است که این موضوع اهمیت دارد: طبق گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، چین اکنون دارای بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان است که «۲۳۴ ناو

جنگی را در کنار کشتی ۲۱۹ نیروی دریایی آمریکا اداره می‌کند». به همین دلیل است که در سال‌های اخیر توجه من را به دو اصل قدیمی سیاست خارجی آمریکا جلب کرده‌ام: دکترین مونرو و نتیجه روزولت. هر دو به مداخله خارجی در نیمکره غربی می‌پردازند و راهنمایی‌هایی را برای مقابله با اقدامات تحریک‌آمیز توسط دشمنان خارجی ارائه می‌دهند. دکترین مونرو که در اوایل قرن نوزدهم توسط جیمز مونرو صادر شد، ثابت کرد که مداخله یک دولت خارجی در امور سیاسی قاره آمریکا به‌طور بالقوه یک اقدام خصمانه علیه آمریکا است. در دهه ۱۹۰۰، تئودور روزولت آن را با آنچه به‌عنوان نتیجه روزولت شناخته می‌شود، ساخت. بر اساس این سیاست، اگر کشورهای آمریکای لاتین به اندازه کافی برای جلوگیری از تهاجم اروپا اقدام نمی‌کردند، می‌توانست مستقیماً در امور داخلی کشورهای آمریکای لاتین مداخله کند.

امروزه، چین و روسیه هر دو در حال گسترش نفوذ خود در آمریکا، آمریکای لاتین و کارائیب هستند. گزارش ماه فوریه سال ۲۰۲۴ شورای آتلانتیک این‌گونه بیان می‌کند: «چین و روسیه به

روش‌های بی‌شماری عمل و نفوذ می‌کنند، اما هسته نفوذ آن‌ها از طریق پنهان و آشکار برای تضعیف موقعیت آمریکا در منطقه و شکل دادن به ترجیحات سیاست خارجی در آمریکای لاتین و کارائیب مراحل را به جلو می‌برد.»

این گزارش خاطرنشان می‌کند که در حالی که چین توانسته است خود را از نظر اقتصادی به منطقه متصل کند، روسیه موفق نشده است؛ اما روسیه «به دنبال حفظ روابط امنیتی دولت به دولت با کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا» است تا هم نفوذ نظامی خود را در منطقه گسترش دهد و هم اقتصاد روسیه را از طریق فروش دارایی‌های نظامی به کشورهای آمریکای لاتین حفظ کند.

موقعیت نظامی چین همراه با نفوذ اقتصادی آن بخشی از ابتکار گسترده‌تر کمر بند و جاده آن است، یک طرح زیرساختی جهانی و توسعه اقتصادی که کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب را شامل می‌شود. روسیه نیز یکی از اعضای کمر بند و جاده است. از طریق این ابتکار، چین از قدرت اقتصادی خود برای پیشبرد منافع نظامی خود در حیاط خلوت ما استفاده کرده است. ما همچنین نمی‌توانیم کانال پاناما را فراموش کنیم. اگرچه

آمریکا بیش از ۱۰۰ سال پیش این کانال را برای توسعه و تسهیل سفر و تجارت بین‌المللی ساخته است، امروزه چین به‌طور فزاینده‌ای بنادر دو طرف آن را کنترل می‌کند. آبراه یک قطعه کلیدی از گسترش کمر بند و جاده در آمریکای لاتین است. این پیشرفت فوق‌العاده نگران‌کننده است.

جو بایدن و دولت او باید قدرت خود را در صحنه جهانی نشان دهند. کشیدن «خط قرمز» فقط برای اینکه بعداً به کسی اجازه داده شود که بدون توسل از آن عبور کند، ضعف را نشان می‌دهد. عقب‌نشینی از افغانستان تنها برای اینکه به طالبان اجازه دهد کشور را پس بگیرند، نشانه‌ی ضعف بود. مداخلات با دیکتاتورها در آمریکای لاتین و اجازه دادن به روسیه برای تشدید تنش‌ها در حیاط خلوت ما نیز نشان‌دهنده ناتوانی است. تاریخ نشان داده است که بازیگران بد خلاء قدرت را پر خواهند کرد مگر اینکه کنترل اوضاع را در دست بگیرد. در عصر افزایش تنش‌های جهانی و در حالی که چین و روسیه به دنبال نفوذ بیشتر جهانی هستند، اکنون زمانی برای رهبری تزلزل‌ناپذیر آمریکا در داخل و خارج فرارسیده است.

is.gd/OEFCY

فان پالیسی این فوکس / جان ففر

برقراری نظم نوین جهانی توسط پوتین و کیم؟



از جنگ سرد بود. با این حال، تحت نفوذ روسیه، اکنون حاکمیت قانون، حقوق منشور سازمان ملل و این ایده که برخی اصول بر ترجیحات ملی اولویت دارند را به چالش می‌کشد. کیم لفاظی‌های خود را نسبت به کره جنوبی تشدید کرده و اگر شمال دوباره به جنوب حمله کند، تقریباً خودکشی خواهد بود، اما کشورها گاهی اوقات کارهای غیرقابل پیش‌بینی انجام می‌دهند، همان‌طور که روسیه با حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲ این موضوع را ثابت کرد.

به احتمال زیاد، روسیه و کره شمالی فقط خود را معطل می‌کنند و امیدوارند متحدان بیشتری، به‌ویژه چین را جذب کنند. با ظهور سیاستمداران راست افراطی، غرب ممکن است بیش از حد تجزیه‌شود؛ به نظر می‌رسد این برنامه‌ای است که کیم و پوتین در حال طراحی هستند، با این انتظار که چین به‌زودی تصمیم به جدا شدن از غربی که در حال حاضر در میان قطع روابط با چین است، بگیرد. این اتحاد جدید فقط یک پیمان خارجی نیست. از دیدگاه روسیه و کره شمالی، این واقعاً آغاز یک نظم جدید جهانی است.

<https://cutly.vercel.app/lnbVB>

شواهدی مبنی بر استفاده روسیه از موشک‌های بالستیک کره شمالی گزارش کرده است که به پیونگ یانگ این فرصت را می‌دهد تا سلاح‌های خود را در شرایط جنگی آزمایش کند. کیم جونگ اون پیشنهاد داده است که سربازان خود را برای جنگ در اوکراین بفرستد و حتی در بازسازی مناطقی از کشور که توسط نیروهای روسی اشغال شده است، کمک کند. کره شمالی در ازای آن، طبق گزارش‌ها، غذا و انرژی و همچنین فناوری روسیه را دریافت می‌کند که می‌تواند برای برنامه‌های ماهواره‌ای و شاید زرادخانه هسته‌ای خودش استفاده کند. روسیه همچنین پیشنهاد ساخت یک بیمارستان در کره شمالی را داده است. روابط دوجانبه جدید آنان به سطح یک اتحاد نظامی ارتقا یافته است. دو کشور متعهد شده‌اند که در صورت حمله به یکی از آن‌ها، «همه ابزار را که در اختیار دارند بدون تأخیر» برای ارائه «کمک‌های نظامی و غیره» به یکدیگر منتقل کنند.

روسیه و کره شمالی توافق کرده‌اند که در راستای یک «نظم جهانی جدید عادلانه و چندقطبی» کار کنند، نظمی که زمانی جایگزینی برای دوقطبی‌گرایی دوران جنگ سرد و تک‌قطبی‌گرایی دوران پس

در همین حال، در مورد کره شمالی، غرب هویجی آویزان کرد تا پیونگ یانگ را متقاعد کند که از تسلیحات هسته‌ای چشم‌پوشی کند، اما هرگز به وعده‌هایش عمل نکرد.

امروز که هر دوی این کشور به غرب پشت کرده‌اند، این دو کشور بیشتر و بیشتر شبیه به یکدیگر شده‌اند. هر دو با تحریم‌های شدید مشابهی روبرو هستند و اقتصادهای بسیار مشابهی دارند. هر دو اکنون درصد قابل‌توجهی از تولید ناخالص داخلی خود را صرف ارتش می‌کنند.

روسیه که زمانی یک دموکراسی متزلزل بود، اکنون به یک خودکامه کامل تبدیل شده است که حول یک رهبر واحد متمرکز شده و عملاً رئیس‌جمهوری مادام‌العمر دارد. کره شمالی که هرگز دموکراسی نبود، توانسته است خودکامگی خاندان خود را برای نزدیک به ۸۰ سال حفظ کند و هر دو رهبر بر حق حاکمیت مطلق خود برای انجام هر کاری که دوست دارند در داخل مرزهای خود اصرار دارند.

جدای از همگرایی ایدئولوژیک، روسیه و کره شمالی از روابط رو به رشد خود مزایای مشخصی دریافت می‌کنند. کره شمالی میلیون‌ها گلوله توپخانه را برای جنگ اوکراین به روسیه می‌دهد. اوکراین همچنین

دیدار اخیر پوتین و کیم در کره شمالی نه تنها مرحله جدیدی را در اتحاد بلکه در همگرایی ایدئولوژیک آن‌ها نیز نشان می‌دهد. این یک اتحاد سطحی نیست. این دو رهبر در دو دهه گذشته در همدلی‌های سیاسی و اقتصادی خود بسیار به هم نزدیک شده‌اند که اکنون به عنوان یک زوج سازگار واجد شرایط هستند. در دیدار اخیر، اولین سفر پوتین به کره شمالی در ۲۴ سال گذشته، دو رهبر بسیار شبیه به دو معشوق منزوی عمل کردند. پوتین به غرب پشت کرده است و ثروت سیاسی و اقتصادی خود را در شرق می‌بیند. کیم از اتحاد مجدد با کره جنوبی چشم‌پوشی می‌کند و روسیه را شریک محتمل تری برای همکاری اقتصادی و نظامی می‌داند.

البته در طول جنگ سرد، کره شمالی و اتحاد جماهیر شوروی متحدان نزدیکی بودند. با این حال، در دهه ۱۹۹۰، هیچ‌کس نمی‌توانست پیش‌بینی کند که این دو کشور آن عشق دوران جنگ سرد را دوباره احیا خواهند کرد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه آزمایش خود را با دموکراسی و گذار به اقتصاد آغاز کرد. پس از چندین دهه انزوای نسبی در حوزه شوروی، درهایش را به روی جهان باز کرد.

در همین حال، کره شمالی در حال فروپاشی اقتصادی و قحطی بود. اگرچه دولت پیونگ یانگ مجبور به پذیرش کمک‌های بشردوستانه شد، اما در مورد نیات دولت‌های غربی بسیار بدبین بود.

روسیه و کره شمالی از این تجربیات بسیار متفاوت به نتایج مشابهی رسیدند؛ غرب نباید قابل اعتماد باشد. به هر حال غرب توصیه‌های اقتصادی ارائه کرد که به ویران کردن روسیه منجر شد و با گسترش ناتو به سمت شرق، از ارائه یک مشارکت امنیتی کوچک نیز خودداری کرد.

این‌دیندنت

نتیجه انتخابات در ایران؛ جبهه بزرگ و فراگیر مخالفان رهبری و جمهوری اسلامی



نیز با وجود حمایت چهره‌هایی مانند محمد خاتمی، حسن روحانی و جواد ظریف از مسعود پزشکیان، نتایج به دست آمده نشان دهنده شکست و ریزش قابل توجه رای دهندگان هوادار این جریان اجتماعی به خصوص در شهرهای بزرگ ایران و طبقه متوسط اجتماعی است.

این در حالی است که اصلاح‌طلبان بارها در گزارش‌ها و نوشته‌هایشان تاکید کرده بودند که پس از خیزش مردمی ایران و اعتراض‌های گسترده دو سال گذشته، تنها راه نجات اصلاحات است.

قرار گرفتن نام چهره‌های نمادین این جریان مانند میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مصطفی تاج‌زاده در کنار تحریم‌کنندگان شرکت در انتخابات، شکاف عمیق پدید آمده در این جریان را روشن‌تر کرد تا «گفتمان گذار از اصلاح‌طلبی حکومتی» در این جبهه پیروز انتخابات نام بگیرند.

اما رهبر جمهوری اسلامی نیز، که گفته بود هر رای، رای است به مقبولیت، مشروعیت و قوام جمهوری اسلامی، باید دریافته باشد که نتایج انتخابات ریاست جمهوری «نه» مردم به او و در حکم فرارندومی برای عبور از حکومت ایران است.

حالا در ایستگاه پایانی انتخاباتی که طبق شواهد به دور دوم کشیده خواهد شد، «جبهه انقلاب» محمدباقر قالیباف و حامیان او را هم از خود رانده و حلقه انقلابیون از گذشته تنگ‌تر شده است.

با نگاهی به نتایج به دست آمده می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که ۶۰ درصد مردم ایران به جمهوری اسلامی نه گفته‌اند و در میان ۴۰ درصد مشارکت‌کننده در انتخابات نیز بیش از ۲۰ درصد گفتمان انقلابی نزدیک به دفتر رهبر جمهوری اسلامی را صراحتاً رد کرده‌اند. به بیان دیگر، ۸۰ درصد مردم با مسیر فعلی حکومت جمهوری اسلامی مخالفند!

ibit.ly/eq-bH

شده است. تنش و اختلاف میان حامیان قالیباف و جلیلی در جریان برگزاری انتخابات به شکلی بود که پس از تخریب گسترده یکدیگر، که از زمان انتخابات مجلس در اسفند ۱۴۰۲ علنی شد، در روزهای پایانی تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری به نقطه جوش رسید. حال با قطعی شدن نیاز سعید جلیلی به بدنه رای قالیباف برای پیروزی در دور دوم انتخابات، پیشنهاد صلح و اجماع از سوی حامیان شناخته شده قالیباف رد شده و برخی از آنان اعلام کرده‌اند که چنین نخواهند کرد.

برخی نزدیکان محمدباقر قالیباف در شبکه‌های اجتماعی تاکید کرده‌اند که ملت ایران حتی با ۴۰ درصد مشارکت دست بنیادگرایان را از پاستور قطع کرده‌اند. این در حالی است که قالیباف هم در دل همین جریان بنیادگرا جای دارد.

واکنش حامیان دیگر قالیباف نیز نشان می‌دهد خشم این گروه از سعید جلیلی و حامیان او وضعی را رقم زده که امکان اجماع این دو نامزد را ناممکن کرده است.

این وضع موجب شده مسعود پزشکیان در مشارکتی حداقلی در آستانه پیروزی و نشستن بر مسند ریاست جمهوری باشد. برای جریان موسوم به اصلاح طلب

نیز متعلق به استان کردستان و شهر تهران با ۲۳ درصد است. در میان استان‌های کشور، سیستان و بلوچستان با ۳۰ درصد مشارکت بالاترین میزان کاهش مشارکت را در قیاس با انتخابات ۱۴۰۰ داشته است. هر چند وزارت کشور می‌کوشد روند اعلام آرای نامزدها را به شکل قطره‌چکانی منتشر کند، اما رسانه‌های نزدیک به دولت مدعی‌اند طبق نتایج به دست آمده، مسعود پزشکیان و سعید جلیلی در حالی به دور دوم انتخابات راه یافته‌اند که هیچ‌کدام حداقل ۱۰ میلیون رای را کسب نکرده‌اند.

بر اساس گمانه‌زنی‌های بعضی رسانه‌ها، از مجموع حدود ۲۴ میلیون رای ریخته شده به صندوق، مسعود پزشکیان ۴۲.۶ درصد و سعید جلیلی ۳۸.۷ درصد را کسب کرده‌اند.

اما بازنده بزرگ این انتخابات را باید محمدباقر قالیباف دانست. با اینکه حامیان ستادی او تا آخرین دقایق برگزاری انتخابات مدعی پیروزی بودند، این سردار نظام فقط ۱۳.۸ درصد آرا را به خود اختصاص داده است.

ریاست مجلس شورای اسلامی، که به خیال پیروزی در انتخابات به اجماع با سعید جلیلی حاضر نشد، در نگاه گروه موسوم به انقلابی و جبهه‌پایداری به مقصر اصلی این شکست بدل

مشارکت ۴۰ درصدی مردم در «انتخابات ریاست جمهوری» و رای ۲۰ درصدی جریان موسوم به انقلابی، نشان دهنده «نه» بزرگ به حکومت و مخالفت اکثریت قاطع مردم ایران با جمهوری اسلامی است.

نتایج «چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری» نشان می‌دهد، برخلاف نظر رهبر جمهوری اسلامی، حامیان تحریم برنده این صحنه مهم سیاسی شده‌اند و نزدیک به ۸۰ درصد مردم موافق نظام نیستند.

در اولین ساعت‌ها پس از اعلام پایان رسمی زمان برگزاری انتخابات، رسانه‌های حکومت ایران خبر از مشارکتی ۴۰ درصدی دادند. عددی که از سوی منتقدان و مخالفان شرکت در انتخابات پذیرفته نشد.

برخی از رسانه‌های نزدیک به دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی، با تایید کاهش مقبولیت نظام در سطح جامعه، اعلام کردند که به استناد گزارش‌های منتشر شده میزان مشارکت کمتر از ۳۷ درصد بوده است.

به این ترتیب، این رقم از میزان مشارکت در انتخابات مجلس در اسفند ۱۴۰۲ نیز کمتر است. این موضوع نشان می‌دهد که از انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۸ تا امروز، جامعه ایران، در طی

چهار دوره انتخابات، با شبی تند از صندوق رای فاصله گرفته‌اند. با بررسی میزان مشارکت در سه انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ مشخص می‌شود میزان مشارکت از ۷۳ درصد در دو انتخابات ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ به

۴۹ درصد در انتخابات ۱۴۰۰ و ۴۰ درصد در انتخابات اخیر رسیده است. در گزارش‌های غیررسمی منتشر شده تا زمان نگارش این گزارش بالاترین میزان مشارکت متعلق به استان خراسان جنوبی با ۶۰.۳ درصد است،

پس از آن استان یزد با ۵۸.۳ و استان قم با ۵۷ درصد مشارکت قرار دارند. کمترین میزان مشارکت در انتخابات



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مركز مطالعات

Sourianc.com